



# آخرین نفس های دختر جوان زیردستان پدر خشمگین

مرضیه همایونی

خبرنگار

ساعت ۱۲ ظهر نخستین ماه تابستان بود که مرد میانسال هراسان خود را به کلانتری ای در جنوب پایتخت رساند. وقتی با سر و صورتی عرق کرده و رنگ و روی پریده مقابل افسر پرونده نشست، با لکنت گفت: دختر ۱۹ ساله ام خودکشی کرده است. بعد در حالی که آب دهانش را به سختی قورت می داد، گفت: صبح وقتی دخترم از اتاقش بیرون نیامد فکر کردم هنوز خواب است، من و مادرش هم به سراغش نرفتیم اما وقتی ساعاتی گذشت و او بیدار نشد، نگران شدم و به اتاقش رفتم اما هر چه صدایش کردم جواب نداد، وقتی به بدنش دست زدم یخ کرده بود، فکر کنم دخترم خودش را خفه کرده و به زندگی اش پایان داده است.

زمانی که افسر کشیک کلانتری از وی درباره انگیزه دخترش از این خودکشی پرسید، با اظهارات ضد و نقیضی مواجه و بلافاصله تیم جنایی راهی خانه مرد میانسال شد.

## آثاری از قتل

با ورود مأموران به خانه قدیمی، آنها داخل یکی از اتاق ها با جسد دختر جوان مواجه شدند. در نخستین گام مشاهده آثار کبودی و ضرب و شتم روی بدن دختر جوان حکایت از مشکوک بودن ماجرای خودکشی داشت. از سوی دیگر وجود کبودی روی گردنش احتمال مرگ بر اثر خفگی را مطرح می کرد. اتاق به هم ریخته بود و شواهدی از درگیری وجود داشت.

کارشناسان پزشکی قانونی زمان مرگ دختر جوان را حدود ۱۲ ساعت قبل تخمین زدند.

با کنار هم قرار گرفتن این مدارک، فرضیه خودکشی کمرنگ شد و احتمال وقوع جنایت قوت گرفت. به همین دلیل موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. با دریافت این خبر، بازپرس محمدجواد شفیعی با صدور دستور حفظ صحنه جرم راهی محل شد. پس از ورود بازپرس جنایی به خانه و تحقیق از تکتک اعضای خانواده، اظهارات ضد و نقیضی بیان شد که ظن تیم جنایی را نسبت به واقعیت ماجرا بیشتر کرد و این فرضیه که دختر جوان



صبح وقتی دخترم از اتاقش بیرون نیامد فکر کردم هنوز خواب است، من و مادرش هم به سراغش نرفتیم اما وقتی ساعاتی گذشت و او بیدار نشد، نگران شدم و به اتاقش رفتم اما هر چه صدایش کردم جواب نداد، وقتی به بدنش دست زدم یخ کرده بود، فکر کنم دخترم خودش را خفه کرده و به زندگی اش پایان داده است

قربانی جنایت خانوادگی شده است و شاهدان سعی دارند با صحنه سازی مسیر تحقیقات را تغییر دهند، پرنک شد.

## ناپدید شدن دختر خانواده

از آنجا که تناقض، ترس و وحشت عجیبی در گفتار و رفتار اعضای خانواده دیده می شد، بازپرس پرونده به تحقیق جداگانه از تکتک اعضای خانواده پرداخت. ۲ پسر و سه دختر خانواده به همراه پدر و مادرشان در محل حضور داشتند اما آن طور که بررسی ها نشان می داد مرد میانسال ۵ دختر داشته که با احتساب مرگ یکی از آنها دختر دیگری هم باید در خانه می بود که حضور نداشت و هیچ کدام از اعضای خانه نیز توضیح دقیقی برای غیبت او نداشتند تا اینکه سرانجام خواهر بزرگ مقتول مقابل بازپرس جنایی نشست و راز جنایت هولناک خانوادگی را برملا کرد و گفت: ما از پدرمان می ترسیم به همین دلیل است که هیچ کدام واقعیت را نمی گوئیم، در حالی که همه ما می دانیم خواهرم خودکشی نکرده بلکه به قتل رسیده و می دانیم قاتل خواهرم چه کسی است.

## هویت عامل جنایت

او ادامه داد: چند ماهی می شود که از شهرستان به تهران آمده ایم. پدرم به عنوان کارگر فصلی در تهران مشغول به کار شده است، من هم برای کمک به خانواده ام کاری پیدا کرده ام. شب حادثه از محل کار به خانه آمدم و متوجه سر و صدای زیادی در خانه شدم.

مادرم با رنگی پریده و حالی پریشان به سراغم آمد و از من خواست کمک کنم. پدرم دو خواهرم آرمینا و آناهیتا را داخل اتاق زندانی کرده و کتکشان می زد. دختر جوان گفت: مادرم می گفت هر چه التماس کرده حریف پدرم نشده است و می ترسد بلایی سر خواهرهایم بیاید. در اتاق بسته بود و با التماس و خواهش از پدرم خواستم در را باز کند، اما توجه نمی کرد، من هم مجبور شدم شیشه در اتاق را بشکنم و وارد شوم. پدرم آناهیتا را کتک می زد، جلو رفتم تا مانعش شوم در همین موقع آناهیتا از فرصت استفاده کرد و از خانه بیرون دوید. خواهرم آرمینا



بهنام و حامد با هم دوست بودند و به ما پیشنهاد دوستی دادند. نمی خواستیم قبول کنیم اما آنها چند بار دیگر هم ما را دیدند و اصرار شویم. نمی دانم چه کسی موضوع را به پدرمان خبر داده بود که او هم شروع به کتک زدن و حبس ما کرد. شب حادثه، ما را با تهدید به داخل اتاق برد و در را قفل کرد. به قدری عصبانی بود که می خواست مرا خفه کند، اما من تقلا کردم و از آنجایی که از نظر جثه از خواهرم بزرگتر بودم حریفم نشد و به سراغ آرمینا رفت. بعد از اینکه آرمینا را کتک زد، آن قدر گلویش را فشار داد که از هوش رفت، در همین لحظه خواهر بزرگم به دادمان رسید. با باز شدن در من فرار کردم و به خانه یکی از دوستانم پناه بردم.

## اعتراف به جنایت

پدر خانواده که راهی جز اعتراف نداشت، گفت: نمی خواستم دخترم را بکشم. من ۵ دختر داشتم و باید مراقب کارهایشان می بودم، زمانی که متوجه شدم آنها با دو پسر دوست شده اند خیلی عصبانی شدم. ناخواسته دخترم را خفه کردم. من نگران آبرویم بودم اما جان دخترم را گرفتم و حالا هم عذاب وجدان زیادی دارم. با اعتراف مرد میانسال به جنایت، به دستور بازپرس جنایی او در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. همچنین بازپرس جنایی دستور داد متهم را برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل کنند.

بود چون خواهرم زیر دستان پدرم خفه شده بود.

ناراحت بودیم و نمی دانستیم چکار کنیم. پدرم تهدید کرد اگر کسی حرفی بزند ما را هم می کشد. گفت باید مرگ خواهرم را خودکشی نشان دهیم.

ما هم که ترسیده بودیم در تحقیقات اولیه مدعی شدیم خواهرم خودکشی کرده است. با اظهارات دختر جوان، مأموران تلاش خود را برای پیدا کردن دختر نوجوان که از خانه فرار کرده بود آغاز کردند و در نهایت موفق شدند دختر جوان را پیدا کنند.

وی که شاهد جنایت بود درباره علت این حادثه گفت: من و آرمینا مدتی قبل در پارک با دو پسر آشنا شدیم.

بهنام و حامد با هم دوست بودند و به ما پیشنهاد دوستی دادند. نمی خواستیم قبول کنیم اما آنها چند بار دیگر هم ما را دیدند و اصرار داشتند دوست شویم. نمی دانم چه کسی موضوع را به پدرمان خبر داده بود که او هم شروع به کتک زدن و حبس ما کرد. شب حادثه، ما را با تهدید به داخل اتاق برد و در را قفل کرد. به قدری عصبانی بود که می خواست مرا خفه کند، اما من تقلا کردم و از آنجایی که از نظر جثه از خواهرم بزرگتر بودم حریفم نشد و به سراغ آرمینا رفت. بعد از اینکه آرمینا را کتک زد، آن قدر گلویش را فشار داد که از هوش رفت، در همین لحظه خواهر بزرگم به دادمان رسید. با باز شدن در من فرار کردم و به خانه یکی از دوستانم پناه بردم.

## فرزندانی که قربانی می شوند

در چند روز گذشته شاهد حوادث غم انگیز مشابهی در گوشه و کنار کشور بودیم که در همه آنها دختران قربانی خشم و عصبانیت پدران خود شده اند. قتل فرزند در واقع شدیدترین نوع کودک آزاری است حتی اگر فرزندان در سنین جوانی باشند. بررسی ها نشان می دهد

برخی تعصبات خانوادگی و فرهنگی، اختلالات روانی، مشکلات اقتصادی و برخی عوامل دیگر از دلایل وقوع چنین فجایع خانوادگی است. اما آنچه در این میان تأسف بار است، اینکه برخی پدرها با علم بر اینکه مجازات شدیدی- قصاص- در انتظارشان نیست، دست به

این جنایت ها می زنند و سناریوی تلخ قتل فرزند به دست پدر رقم می خورد. هر چند این موضوع ریشه در قانون کشور دارد و با توجه به آنچه در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر است، اگر پدر یا پدر بزرگ، فرزند خود را بکشد، قصاص نخواهد شد. اما برخی

انتقادهای بسیاری بر این قانون وارد دانسته اند. مطابق قانون مجازات اسلامی در صورتی که فرزند توسط پدر خود به قتل برسد، پدر قصاص نمی شود. اما طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر مکلف به پرداخت دیه به وراث فرزند می شود. علاوه بر دیه مقرر شده طبق ماده

۶۱۲ قانون مجازات های اسلامی چنانچه عمل قتل فرزند باعث رعب و وحشت و اخلال در جامعه شود، محکومیت تعزیری بر قاتل اعمال و به سه تا ۱۰ سال حبس محکوم می شود. اما گذشته از موضوع مجازات در حوادث فرزندکشی آنچه باید بیشتر مد نظر قرار گیرد، اصلاح

برخی نواقص فرهنگی و تربیتی در جامعه است که باعث می شود چنین فجایعی در کشور رخ دهد. به همین خاطر، حتی اگر چنین جنایات و قتل هایی اندک هم باشد لازم است با بررسی کارشناسانه و تحلیل آن، راه بر جنایت های مشابه آینده بسته شود.